



کرامت انسانی و مبانی قرآنی آن از نگاه امام

دکتر سید رضا مؤدب*

چکیده

انسان موجودی شریف و گرانسنگی است که کرامت و منزلت والای او در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است، نخست نگاه امام خمینی (س) در خصوص کرامت نفس و سپس اهم مبانی قرآنی آن از نظر ایشان به استناد برخی از آیات و کمک از دیدگاه برخی از مفسران، تحلیل گردیده؛ در اندیشه های قرآنی و عرفانی حضرت امام خمینی (س)، انسان دارای کرامت نفس است که برخواسته از ساختار معرفتی انسان، جلوه رحمت الهی و خلیفه الهی، خصیصه حقیقت جوئی و کمال و سعادت طلبی انسان، اختیار و آزادی انسان، عدالت خواهی، تربیت پذیری و تهذیب نفس، اخوت و همزیستی مسالمت آمیز و گفت و گوی احسن میان انسانها می باشد.

کلید واژه ها

کرامت انسانی، مبانی معرفت، کمال طلبی، رحمت الهی، عدالت، تربیت و تهذیب، اخوت و گفت و گوی احسن، اختیار و آزادی.

* عضو هیئت علمی دانشگاه قم

اهمیت کرامت انسان

انسان و کرامت و منزلتش از مسائل مهم دوران معاصر است که تبیین و تفسیر آن از نظر منابع دینی به ویژه قرآن کریم و سپس دست یافتن بر راهکارهای تحقق آن در زندگی بشر امروزی، بس ضروری است کرامتی که منشاء الهی و آسمانی دارد و در شمار نخستین صفات خداوند متعال است؛ آنچنان که پیامبر (ص) می فرماید: خداوند کریم است و کریم را دوست می دارد. ^۱ کرامتی که در هر انسانی، گرچه بخشی از آن محقق شود، او را از زشتی و ناهنجاری های فراوانی، مصون می دارد؛ آنچنان که حضرت علی (ع) نیز می فرماید:

هر فردی از کرامت نفس برخوردار و از نفسی کریمانه بهره مند باشد، شهوات و زشتی ها، نزد او بی ارزش و بی ثمر تلقی می گردد. ^۲

هنگامی که کرامت نفس به صورت تمام و یا بخشی از آن در انسان تبلور یافت، جامعه نیز کریمانه و برخوردار از کرامت می گردد و در آن صورت جامعه بشری، به جامعه الهی و آسمانی خواهد رسید و جامعه ای که هر انسان اندیشمندی، علاقه مند است تا بدان سو، حرکت، بلکه پرواز کند.

کرامت انسانی در اندیشه های قرآنی حضرت امام خمینی

حضرت امام، اندیشمند و مفسر گرانقدر قرآن در دوره معاصر، به خوبی قرآن و انسان را می شناخت و راه های رسیدن به کرامت نفس و مبانی آن را می دانست و تجربه کرده بود؛ ایشان برای تحقق کرامت انسانی و عینیت بخشیدن بدان، معتقد بود انسان می باید برای آینده خود متدبرانه بر زندگی نگاه کند تا جایگاه واقعی و متمایز خود را دریابد. خداوند متعال، انسان را نسبت به دیگر موجودات، برتری بخشیده و او را به خاطر ساختار ویژه اش، متمایز گردانیده است. و بر این نکته در آیه شریفه:

و لقد کرمنا بنی ادم و حملنهم فی البرّ و البحر و رزقنهم من الطّیّب و فضلنهم علی کثیر ممّن خلقنا تفضیلاً. (اسراء، ۷۰/۱۷) اشاره فرموده و بیان داشته که انسان و بنی آدم را کرامت دادیم و او را بر دیگر مخلوقات تفضیل و برتری دادیم. در آغاز آیه با عبارت «کَرَمْنَا» و در ادامه با عبارات «فضلنا» به خصوصیت کرامت و برتری او اشاره شده و اگر از فضیلت

و برتری انسان در پایان آیه یاد شده، بر کرامت او که مهمترین است در آغاز آیه، پرداخته شده است. آیه شریفه در مقام بیان کرامت انسانی برای عموم بشر است که خداوند قوه و زمینه آن را برای همه فراهم کرده است و اشاره‌ای به کرامت خاص که مخصوص گروه خاصی است ندارد.^۳ کرامت انسانی اشاره به همان شرافت ذاتی در نهاد انسان قرار داده شده بر خلاف فضیلت که امری نسبی و اضافی است.^۴

حضرت امام خمینی (س) که خود از نمونه‌های برجسته کرامت انسانی در قرن بیستم بود. جامعه مسلمین، بلکه جامعه جهانی را در بخش فراوانی از زندگی بشر، متحول نمود و با زندگی متعالی خود، نمونه والایی از کرامت انسان را عینی ساخت و با تحقق مفاهیم اساسی کرامت در جامعه معاصر به ویژه در ایران اسلامی، راه رسیدن بدان را هموار ساخت. او که خود کرامت نفس را از آموزه‌های قرآن و روایات معصومین (ع)، از پیامبر (ص) تا حضرت صاحب الامر (عج) فراگرفته بود، توجه همگان را به ویژه مسلمین را، به سوی انسانهای برخوردار از کرامت نفس جلب نمود و افتخاری برای قرن معاصر گردید؛ در این پژوهش، از نظر ایشان، کرامت نفس و مبانی آن، تبیین و مستندات قرآنی آن تحلیل و بررسی می‌گردد.

اهم مبانی کرامت انسان در اندیشه‌های قرآنی امام خمینی

آن چه مهم است، آن است که مفاهیم اساسی و مبانی و ارکان اصلی کرامت انسان از منظر قرآن کدام است و حضرت امام خمینی «س»، چگونه کرامت انسانی را به استناد آیات قرآن، بیان می‌کند؟ ایشان مقوله‌های اساسی کرامت انسانی را چه می‌داند؟ راهکارهای رسیدن بدان را چگونه تبیین می‌کند؟ تحقق کدامیک از ویژگی‌ها را در انسان مهم تر در رسیدن به کرامت او می‌داند؟

حضرت امام خمینی (س) به استناد آیات قرآن، مبانی کرامت انسان را در یک چنین منطقی، نخست ساختار معرفتی و سپس جلوه رحمت و خلیفه الهی انسان، خصیصه حقیقت جوئی و کمال و سعادت طلبی او که شامل اساسی ترین مبانی کرامت انسان است، می‌داند و در ادامه به دیگر مبانی که شامل اختیار و آزادی انسان، عدالت خواهی او، تربیت پذیری و تهذیب نفس، اخوت و همزیستی مسالمت آمیز و گفت و گوی احسن

است، می‌پردازد و لازم است در آغاز از خلقت و ساختار معرفتی و جایگاه انسان که جلوه رحمت و خلیفه الهی است، بحث شود و پس از پذیرش و تثبیت آنها به ویژگی‌های انسان از جمله سعادت طلبی، اختیار، عدالت خواهی، تربیت پذیری و اخوت و همزیستی پرداخته شود که هر یک در دیگری تاثیر دارد. از نظر ایشان باور بر آنها و زمینه سازی تحقق و عینی شدن آنها را سبب رسیدن به منزلت بلند انسانی یعنی کرامت نفس خواهد گردید، که تفصیل هر یک چنین است:

۱. ساختار معرفتی انسان

از مهمترین ویژگی‌های انسان، از نظر قرآن مجید، ابزار شناخت و ساختار معرفتی او است که زمینه ساز کرامت بنی آدم شده؛ ابزار و منابع معرفتی او یعنی: عقل، قلب، لب و... که در آیات فراوانی از آنها یاد شده و با تعابیر گوناگون آنها را از قوه شناختی انسان شمرده و سبب شرافت ذاتی او شده است. در اینکه علل شرافت ذاتی انسان که سبب کرامت او شده در چیست، برخی از مفسران از جمله طبرسی، صاحب تفسیر گرانقدر مجمع البیان، بیان می‌دارد که بسا ممکن است به ابزار و قوای متمایز او یعنی قوه عقل و نطق او اشاره شده باشد.^۵ قوه قلب و عقل از قوای ویژه انسان است که سبب کرامت انسان شده و انسان می‌تواند با تکیه بر آنها، به کرامت نفسانی خود دست یابد حضرت امام خمینی (س) در این خصوص بر قلب انسانی و احیای آن توسط قرآن، تکیه دارد و می‌فرماید:

بلکه این صحیفه الهیه، کتاب احیای قلوب به حیات ابدی علم و معارف الهیه است.^۶ ایشان در مورد قلب و مسامع آن که سبب و ابزار تقرب اوست و کرامت انسان را او تضمین می‌کند و او را الهی می‌نماید به گونه‌ای که جز خدا را مشاهده نکند، می‌فرماید: سالک مشاهد جمال جمیل و مستغرق تجلیات حضرت محبوب باشد به طوری که جمیع مسامع قلب از دیگر موجودات بسته شده و چشم بصیرت به جمال پاک ذی الجلال گشوده گردیده و جز او مشاهده نکند.^۷

حضرت ایشان جایگاه قلب را مهم می‌شمارد و قبولی نماز را منوط به اقبال قلب می‌شمارد که از جمله مهمترین اعمالی است که کرامت انسانی را تقویت می‌نماید و

می فرماید :

قبولی نماز به اقبال قلب است، اگر اقبال قلب در نماز نباشد، از درجه اعتبار ساقط و لایق محضر حضرت حق نیست... پس کلید گنجینه اعمال و باب الابواب همه سعادات، حضور قلب است که با آن فتح باب سعادت بر انسان می شود.^۸

حضرت امام خمینی (س) بر این باور است که قلب انسان، موهبت الهی است و جایگاه قرآن و کلام الهی است که منشا تحول بنیادی و فکری او می شود و او را به جایگاهی انسانی می رساند و این ویژگی مخصوص اوست که می تواند حاصل وحی باشد و

می فرماید :

مطلوب در تلاوت قرآن شریف آن است که در اعماق قلب انسان تاثیر کند و باطن انسان صورت کلام الهی گردد و از مرتبه ملکه به مرتبه تحقق رسد و اشاره به این فرموده آنجا که می فرماید: «جوان مومن اگر قرائت کند، قرآن در گوشت و خون او وارد شود و این کنایه از آن است که صورت قرآن در قلب مستقر و جایگزین گردد به طوری که خود باطن انسان، کلام الله مجید و قرآن حمید گردد.^۹

خداوند متعال در آیات فراوانی از قلب و دیگر ابزار معرفتی یاد کرده است، که مستند اندیشه های قرآنی حضرت امام خمینی (س) در مورد رابطه قوای معرفتی او و کرامت انسان یاد شده است مانند آن که از قلب به عنوان ابزار تدبیر یاد شده و مهمترین موضوع تدبیر را نیز قرآن دانسته و در مقام سرزنش گروهی که از این زمینه استفاده نمی کنند چنین می فرماید :

أفلا يتدبرون القرآن أم على قلوب أقفالها (محمد، ۴۷/۲۴) آیا در قرآن نیک نمی اندیشید یا بر دلها قفل زده اند. زمخشری در تفسیر آیه، به اضافه شدن قلوب به افعال و علت نکره بودن آن اشاره دارد و معتقد است که مقصود از آن، تمامی قلوب نیست، بلکه قلوب منافقین و یا برخی از قلوب است که خود را از بهره معرفتی دور کرده اند.^{۱۱}

خداوند متعال در آیات دیگری از قلب یاد می کند از جمله در آیه: إِذْ جَاء رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ (صافات، ۸۴/۳۷)، از قلب سلیم یاد می کند که چگونه حضرت ابراهیم با قلب سلیم به پیشگاه پروردگارش آمد. در تفسیر قلب سلیم مفسران مطالب مهمی را گفته اند که مهمترین

آن اشاره به قلب خالص از شرک و دوری از معاصی است.^{۱۲} کلینی نیز در کافی بر روایات مهمی در خصوص آیه، اشاره می‌کند و می‌فرماید: قلب سلیم برای کسی است که به هنگامی که خدا را ملاقات می‌کند، جز او در دلش چیزی نیست.^{۱۳} حضرت امام خمینی(س) در خصوص قلب سلیم هر انسان که می‌توان از او به عنوان فطرت الهی نیز تعبیر نمود؛ مطالب گران قدری دارد و مراجعه به کتاب فطرت را، رسیدن به کرامت انسانی می‌داند و می‌فرماید:

ای عاشقان محبوب بی‌عیب و بی‌زوال، قدری به کتاب فطرت رجوع کنید و صحیفه کتاب ذات خود را ورق بزنید، ببینید که با قلم قدرت، فطرت الهی در آن مرقوم است: *إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلذِّى فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ (انعام، ۶/۷۹)*، آیا فطرت الله التي فطر الناس عليها (روم، ۳۰/۳۰) فطرت توجه به محبوب مطلق نیست؟ آیا آن فطرت غیر متبدله لا تبدل لخلق الله، فطرت معرفت است.^{۱۴} ایشان، معتقد است، فطرت انسان، حرکت به سوی خوبی‌ها و کمال و کرامت انسانی دارد و هر کسی بر فطرت خود مراجعه نماید از هر چه نقص و زشتی و ناهنجاری است، دوری می‌گزیند و به سوی عزت و کرامت پیش می‌رود و می‌فرماید:

بدان که از فطرت‌هایی که فطر الناس عليها است، فطرت تنفر از نقص است و انسان از هر چه متنفر است، چون در او نقصانی و عیبی یافته است، از آن متنفر است پس عیب و نقص، مورد تنفر فطرت است چنانچه کمال مطلق مورد تعلق آن است پس متوجه الیه فطرت، باید واحد و احد باشد.^{۱۵}

در خصوص قلب و دیگر قوای معرفتی و فطرت انسان، آیات و روایات فراوانی وجود دارد که هر یک می‌تواند مستندی برای اندیشه‌های قرآنی حضرت امام خمینی(س)، در خصوص رابطه قلب و کرامت انسانی باشد که تفصیل آن در کتاب‌های تفاسیر و روایات آمده است.^{۱۶}

۲. جلوه رحمت الهی و خلیفه الهی انسان

از مبانی مهم کرامت نفس، از منظر قرآن و برداشتهای تفسیری امام خمینی(س)، جلوه رحمت الهی بودن انسان و جایگاه خلافت الهی او است که او را متعالی نموده و

شرافتی عظیم برای او فراهم آورده است. حضرت امام خمینی (س)، انسان را تنها موجودی می‌داند که از مختصات الهی برخوردار است و می‌تواند بر مسند الهی بنشیند خود را تالی تلو الهی بداند و می‌فرماید:

این از مختصات انسان است که حق تعالی او را با جمیع اوصاف و صفات مقدس خودش ایجاد کرده است. ۱۷

ایشان در خصوص انبیاء، به عنوان انسانهای برگزیده، آنها را جلوه رحمت خدا می‌داند که خداوند متعال با صفاتش در آنها جلوه گر شده و آن مظهري از مظاهر الهی گردیده و هر کس بدان‌ها نظر کند، گویا خداوند را دیده و بر خدا نظر افکنده و سپس دیگر انسانها را برخوردار از مراحل از چنین جایگاهی دانسته که آنها نیز جلوه رحمت الهی گردیده‌اند و می‌فرماید:

تمام انبیاء از صدر عالم تاکنون... جلوه رحمت بوده‌اند از خداوند تبارک و تعالی و چنانچه موجودیت همه ما جلوه رحمت حق تعالی است. ۱۸

حضرت امام خمینی (س)، انسان را در میان تمام مخلوقات، ممتاز و مصطفی الهی می‌داند که برخوردار از کرامت نفس و جمال الهی و دارای ترکیبی شایسته است و انسان چون جلوه رحمت الهی است، همچون خداوند متعال نیکو مظهر و از جمال الهی برخوردار شده و در بین دیگر موجودات و مخلوقات الهی، بی‌مانند است و می‌فرماید:

خداوند متعال انسان را از بین مخلوقات، امتیاز داده به حسن ترکیب و جمال نیکو مظهر. ۱۹

مسئله خلافت انسان و جلوه رحمت الهی بودن که از مبانی قرآنی کرامت انسان است، در آیات فراوانی بدان اشاره شده؛ مانند آن که خداوند می‌فرماید: **وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَأِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً**. (بقره، ۳۰/۲) من در روی زمین خلیفه و جانشینی قرار دادم؛ خداوند در آیه مذکور، خلافت خود را در روی زمین بر عهده انسان می‌گذارد، بنابراین، نخستین خلیفه خدا در روی زمین، حضرت آدم بوده^{۲۰} بلکه از کرامت و عزت نفس الهی برخوردار بوده است.

دیگر مفسران نیز مقصود از خلیفه را حضرت آدم و ذریه او دانسته‌اند. ۲۱ و همچنین در آیات و هو الَّذِي جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ فِي الْأَرْضِ. (انعام، ۱۶۵/۶) و در آیه: **ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خُلَفَاءَ فِي**

الأرض من بعدهم (یونس، ۱۰/۱۴) و آیه: یا داود إنا جعلناک خلیفة فی الأرض . (ص، ۳۸/۲۶)،
از موضوع خلافت الهی انسان یاد شده است .

علامه طباطبایی در ذیل آیه: یا داود إنا جعلناک خلیفة فی الأرض فاحکم بین الناس
بالحق، می فرماید:

ظاهر خلافت در آیه خلافت الهی است و از شان خلافت الهی آن است که داود
و دیگر انسان‌هایی که در جایگاه خلافت خداوند قرار می‌گیرند، در صفات و
اعمال خدایی شوند و خلیفه الله می‌باید به اخلاق الهی، متخلق گردد و چیزی را
اراده کند که خدا اراده می‌کند و چیزی را انجام دهد که خدا انجام می‌دهد و بر
چیزی حکم و قضاوت کند که خداوند بدان حکم و قضاوت می‌کند و چون
خداوند بر حق حکم می‌کند، خلیفه او نیز می‌باید چنین باشد و بدین جهت پس
از حکم خلیفه الهی در آیه مذکور امر بر قضاوت در بین مردم به حق می‌کند. ۲۲

۳. حقیقت جویی و کمال و سعادت طلبی انسان

از جمله مهمترین مبانی کرامت نفس انسان، حقیقت جویی و کمال و سعادت طلبی
او است زیرا او موجودی است که به دنبال کمال و سعادت خود که همان حقیقت نهایی
است می‌باشد و آن رسیدن به قرب وجودی است و اگر انسان به کمال و حقیقت خود
برسد، و یا به مراحل از آن قدم گذارد و خود را متلبس بدان نماید، از کرامت نفس به
صورت کامل و یا به مراحل از آن دست یافته است و چنین انسانی، نه تنها خود برای
جامعه اش ضرری و زیان ندارد، بلکه دیگران را نیز به سمت هدایت پیش می‌برد و جامعه
بشری را انسانی می‌نماید.

حضرت امام خمینی (س) معتقد است که قرآن آمده تا انسان را به کمال و کرامت
مطلوبش یعنی مرتبه عالی برساند و در این خصوص می‌فرماید:

کتاب خدا آمده است که انسان را انسان کند، همان طوری که جامعه اش را اصلاح
بکند خودش را کامل بکند تا برسد به مرتبه عالی. ۲۳

حضرت امام خمینی (س) انسان را موجودی سرشار از استعداد های درونی می‌داند
که رشد نکرده و می‌باید به کمال و فعلیت برسد و بر این باور است که تمام معارف آسمانی،

زمینه ساز کمال و به فعلیت رساندن استعدادهای ذاتی اوست و از این جهت قرآن، کتاب انسان سازی است و می فرماید:

تمام احکام عبادی و همه اینها چیزهایی که هست، همه این ها برای این معنا است که انسان ناقص را انسان کامل کند. قرآن کتاب انسان سازی است. ۲۴

حضرت امام خمینی (س) معتقد است که در هر انسانی، اشتیاق به سوی کمال وجود دارد و به هر مرحله ای که از آن رسیده به دنبال حقیقت نهایی آن و تداوم آن می باشد و می فرماید:

حال تمام سلسله بشر در هر طریقه و رشته ای که داخلند به هر مرتبه ای از آن که رسند، اشتیاق آنها به کامل تر از آن، متعلق گردد و آتش شوق آنها فرو ننشیند و روز افزون گردد. ۲۵

ایشان کمال و جمال مطلق و سعادت نهایی انسان را، رجوع به ذات و رسیدن به قرب الهی که همان کمال مطلق اوست، می داند و آن را مصداق آیه شریفه **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**. (بقره، ۱۵۶/۲) بیان کرده و می فرماید:

آیا در جمیع سلسله موجودات در عالم تصور و خیال، در تجویزات عقلیه و اعتباریه، موجودی که کمال مطلق و جمال مطلق داشته باشد، جز ذات مقدس مبدا عالم - جلت عظمته - سراغ دارید؟ ۲۶

حضرت امام خمینی (س) معتقد می باشد در نظامهای کنونی، تنها نظام الهی است که می تواند کمال و کرامت انسانی را محقق کند و زمینه ساز فعلیت قوه های ذاتی و رو به کمال او باشد و می فرماید:

ای مسلمانان جهان... آن نظام که برای شما، برای رشد و تکامل شما، برای سعادت دنیا و آخرت شما، برای رفع ظلم و خون خواری پیا شده، نظام الهی است که بالاترین آن نظام اسلامی است. ۲۷

ایشان، سعادت ملت را بر اساس مفاهیم قرآن، پیروزی یا شهادت^{۲۸} می داند که نهایت و اوج تکامل است و می فرماید: ملت و ارتش... با احدی الحسین، پیروزی یا شهادت و وصول به لقاء الله، قله سعادت را می پیماید. ۲۹

ایشان حقیقت و کمال نهایی انسان را رسیدن به خدا و نور الهی می داند و بر آیه

شریفه: **اللَّهُ نور السموات والأرض** (نور، ۲۴/۳۵) اشاره می کند و می فرماید :
مطلوبی که دارید بی عیب ، منظوری دارید که نور طلعتش **اللَّهُ نور السموات و
الأرض** است . ۳۰

حضرت امام خمینی (س) بر اساس مطالعه و تدبر در آیات و مبانی قرآنی خود ، معتقد
به کمال انسان که همان «رجوع الی الله» است ، می باشد که چنین مرتبه وجودی ، رسیدن
به کرامت نفس است در آیاتی مانند : **وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ** (نجم، ۵۳/۴۲) و **وَاللَّهُ
الْمَصِيرُ** (فاطر، ۳۵/۱۸) بدین مطلب پرداخته شده است . علامه طباطبایی هم در ذیل آیه و **أَنَّ
إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ** بر همین نکته تاکید دارد که هیچ موجودی نیست مگر اینکه وجودش و
آثارش به خداوند متعال ، منتهی می شود و نهایت حرکت به سوی خداست . ۳۱ علامه
طبرسی هم در ذیل آیه :

وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ مرجع و مسیر تمام مخلوقات را خدا می داند که پایان
موجودات است و در آن جا دیگر فرصتی برای عمل نیست ، بلکه روز رسیدن به
جزاء و نهایت اعمال آدمی است . ۳۲

۴ . اختیار و آزادی انسان

از دیگر مبانی کرامت انسان ، ویژگی اختیار و آزادی اراده اوست . خداوند متعال انسان
را آزاد و مختار آفریده تا خود مسیر حرکتش را برگزیند ؛ خداوند خواسته تعالی و کمال
بشر ، ارزشمند باشند و لذا به او قوه اختیار عنایت کرده و در هر مورد راه خیر و شر را برای
او تبیین نموده است ؛ پروردگار انسان ، در قرآن در سوره ای که به نام انسان معروف شده
بر ساختار و جودی او اشاره می کند و می فرماید : **إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نَظْفَةِ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ
فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا . إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا** (انسان، ۲-۳) ما انسان را از
نطفه ای برآمخته آفریدیم ، او را می آزمایشیم از این رو شنوا و بینایش گردانیده ام . ما به او راه
را نشان داده ایم ، خواه سپاسگزار باشد خواه ناسپاس .

مفسران بزرگ از جمله علامه طباطبایی در ذیل آیه مذکور بر قوه اختیار و آزادی عمل
انسان اشاره کرده اند و بیان می دارد که سبیل و راهی که خدا انسان را بدان سو هدایت
کرده ، راه اختیاری است و شکر و کفری که مترتب بر آن است ، در جهت چگونگی انتخاب
اوست و هدایت در آیه به معنی «ارائه طریق» و نه ایصال و رساندن به غایت و مطلوب

است. ۳۳

زمخشری هم که از مفسران معتزله مسلک است. در ذیل آیه به قوه اختیار و اراده بشر اشاره می کند و کفر انسان را به سوء اختیارش مربوط می داند. ۳۴ علامه مغنیه نیز بر قدرت عقل و حریت و اراده در ذیل آیه مذکور اشاره می نماید و بر روایاتی از امام صادق (ع) در قلمرو اختیار او استشهاد می کند. ۳۵

حضرت امام خمینی (س) به استناد آیات مذکور و مبانی قرآنی که انسان را موجودی مختار دانسته اختیار و آزادی اراده او را، ویژگی مهمی برای رسیدن به کرامت نفس او می داند و معتقد است که هر انسانی در صورتی که از اختیار خود بهره صحیح را ببرد و با قوه عقل، راه صحیحی را که خدا بدان نشان داده، دنبال کند، شریف و عزیز و برخوردار از کرامت نفس می شود. ایشان بر پیروی راه مستقیم در رسیدن به کرامت نفس که همان راه انسانیت است تاکید می کند و می فرماید:

یک راه، راه انسانیت است که این صراط مستقیم است، صراط مستقیم یک سرش به طبیعت است، یک طرفش به الوهیت... اختیار با شماس است که این دوراه را اختیار کنید. ۳۶

حضرت امام خمینی (س) معتقد است که انسان به خاطر قدرت اراده و اختیار، مورد امتحان و ابتلاء است و ابتلاء و امتحان در زندگی، ملازم با وجود انسانی و رسیدن به منزلت واقعی یعنی کرامت درونی است و امتحان هم در موارد متعددی از مراحل زندگی و بر امور متفاوتی از رنج ها و سختی ها است تا انسان در همه موارد به کمال برسد؛ در این خصوص می فرمایند:

انسان در این دنیا، هر انسانی که باشد از انسانهای بزرگ مثل انبیاء و اولیاء تا هر جا که برسد مورد امتحان است. امتحان ملازم با وجود انسان است... گاهی امتحان به خوف ۳۷، به جوع، به نقص در اموال و انفس، به نقص در ثمرات. ۳۸

حضرت امام خمینی (س)، معتقد است که انسان در هنگام خلقت و در سرشش آزاد آفریده شده؛ زیرا خداوند می فرماید: **و لو شاء ربک لجعل الناس أمة واحدة ولا یزالون مختلفین** (هود، ۱۱/۱۱۸)، که حکایت از اختلاف در انتخاب عقیده و مکتب انسانها دارد که لازمه آزادی اراده است و امری است که سبب امتیاز انسان در خلقت، بر دیگر موجودات

شده؛ ایشان آزادی اراده انسان را برخواسته از فطرت بشری او می دانند و در راه اثبات جاودانگی و معاد، به اراده انسان، استشهاد می نمایند و معتقد است وجود اراده نشان از وجود عالمی دارد تا اراده در آن تاثیر گذار باشد و می فرماید:

می توان عالم را به فطرت حریت و نفوذ اراده... اثبات کرد چون مواد این عالم و اوضاع این دنیا و مزاحمت آن و تنگی و ضیق آن تاسی دارد از حریت و نفوذ اراده بشر؛ پس باید عالمی در دار وجود باشد که اراده در آن فاقد باشد. ۳۹

حضرت امام خمینی (س) برتری مکاتب دینی به ویژه اسلام را بر دیگر مکاتب در توجه به اصل آزادی و اختیار بشر در سعادت او می دانند و بر این باور است که اصل آزادی را نمی توان از کسی سلب کرد و آن را یکی از حقوق انسان می دانند که خداوند متعال این نعمت بزرگ را به انسان هبه نموده است و می فرماید:

اسلام هم حقوق بشر را محترم می شمارد و هم عمل می کند، حقی را از هیچ کس نمی گیرد، حق آزادی را از هیچ کس نمی گیرد اجازه نمی دهد که کسانی بر او سلطه پیدا کنند که حق آزادی را به اسم آزادی از آنها سلب کند. ۴۰

ایشان بر اساس آیه قرآنی: **لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ** (بقره، ۲/۲۵۶) بر عدم امکان تحمیل عقیده بر دیگران تاکید دارد و معتقد است که انسان، برخوردار از چراغ عقل و خرد است و اگر به کمال رسید، بر باور خود استوار می شود و با آزادی اختیار و اراده آن را برگزیده و دیگر نمی توان در او تغییری ایجاد کرد و در این جهت می فرمایند:

انسان کامل آن است که اگر فهمید که حرفش حق است، با برهان اظهار کند و مطالبش را برهانی بفهماند. اینکه در قرآن کریم دارد که: **لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ** برای اینکه تحمیل عقاید نمی شود کرد. ۴۱

خداوند متعال در آیات فراوانی ۴۲ مانند: **إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا**. (انسان، ۳/۷۶) بر آزادی انتخاب و اراده بشر تاکید دارد و شرایط فعلی جامعه را ناشی از آزادی اراده می دانند و شان خداوند را، هدایت بشر دانسته و نه به کمال رساندن او و لذا در سوره هود می فرماید: **وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ**. (هود، ۱۱/۱۱۸) و اگر پروردگارت می خواست، مردم را امتی یگانه می کرد و آنان همواره اختلاف می ورزند.

خداوند در آیه مذکور، اشاره می کند که انسان ها دچار شرائط متعدد و متنوعی هستند و این تنوع به جهت اراده و اختیار آنهاست و گرنه اگر اجباری بود و قرار بود خواست خدا در زندگی دنیا در مورد آنها تحقق یابد، همه مردم، امت واحد می شدند، علامه طبرسی در ذیل آیه مذکور می فرماید:

خداوند نخست از کمال قدرتش خبر می دهد و بیان می دارد اگر خداوند اعمال قدرت نکرده، چون می خواسته انسان با اختیارش به کمالش برسد تا ثواب و عقاب، استحقاق آنها باشد. ۴۳

علامه طباطبایی نیز می فرماید:

مراد از وحدت و امت واحده و دوری از اختلافات، اختلاف در توحید است و خداوند آنها را از این کار باز نداشته است. ۴۴

امام خمینی (س) با تأمل در آیات قرآن، به ویژه آیات مذکور، اختیار و آزادی انسان را سبب کرامت نفس دانسته که موجب شده انسان به غایت وجودی و کرامت انسانی و به سوی صراط مستقیم که همان راه انسانیت است، برسد. ۴۵

۵. عدالت خواهی انسان

از دیگر مبانی قرآنی کرامت انسان از نظر حضرت امام خمینی (س)، عدالت خواهی اوست که تحقق و فعلیت آن سبب تحقق کرامت و عزت نفس انسان و به تبع آن جامعه بشری می گردد.

حضرت امام خمینی (س) در این خصوص، اقامه عدل را از وظایف مهم مردم و دولت ها و همه انسان ها می داند و معتقد است برای تحقق عدالت که زمینه ساز کرامت انسانی است، هر تلاشی نمی باید غفلت کرد و لازم است تا همگی، در کنار هم در برابر ظالمان و ستمگران مقاومت نمایند و در این مسیر از هیچ ستمگری نهراسند و می فرماید:

برای اقامه عدل از هیچ قدرتی و شرارتی هراس به خود راه ندهید. ۴۶

ایشان، همه افرادی را که توان دارند، مکلف می داند تا برای تحقق و اجرای عدالت تلاش کنند و در این خصوص گروهی را مستثنی نمی داند و آن را وظیفه شرعی و عمومی برای همه قشرها و طبقات می داند و همه را شرعا مسئول و «راع» می داند^{۴۷} و چنین وظیفه

شرعی عمومی را برگرفته از وظایف پیامبران(ع) دانسته و می فرماید:
ما مکلفیم به اینکه در امور دخالت کنیم...مکلفیم شرعاً، همان طور که پیغمبر
چنین می کرد. ۴۸

حضرت امام خمینی (س) اقامه عدل را امری مهم تر می داند که لازمه آن در
جامعه کنونی جهان، فداکاری و ایثار و آمادگی برای شهادت است تا زمینه ساز کرامت
انسانها گردد و می فرماید:

ملتی که برای اقامه عدل اسلامی و اجرای احکام قرآن مجید و کوتاه کردن دست
جنایتکاران ابر قدرت و زیستن با استقلال و آزادی قیام نموده است؛ خود را برای
شهادت و شهید دادن آماده نموده است. ۴۹

حضرت امام خمینی (س) به استناد آیات فراوان در خصوص برپایی عدل و قسط،
همه افراد جامعه را موظف به اقامه عدل می داند تا زمینه های تحقق کرامت انسانی حاصل
گردد؛ برخی از آن آیات چنین است: **إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ** (نحل، ۱۶/۹۰) آیه مذکور
بر عدل و احسان اشاره می کند که خداوند بر انجام آنها امر می نماید و سبب می شود تا
هر انحرافی، افراط و یا کاستی از جامعه دورگردد و انسان بر ساحت کرامت خود
بنشیند؛ مرحوم طبرسی در تفسیر آیه مذکور، مصداق عدل را همان انصاف بین مردم و
رفتار معتدلانه می داند که از هر کژی بدور است و احسان را که پس از عدل آمده، تفضل
و نیکی به دیگران که زمینه ساز تحقق کرامت انسان است، می داند. ۵۰

همچنان که در سوره مائده بر عدالت امر شده و آن را لازم شمرده و نشان از اهمیت
و ضرورت آن در به کمال رسیدن و کرامت انسانی است؛ خداوند می فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
ءَامَنُوا كُونُوا قَوِّمِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نِ قَوْمِ عَلَىٰ آلَا تَعْدِلُوا اِعْدِلُوا هُو
أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ** (مائده، ۸/۵) خداوند می فرماید:

ای مومنان، برای خداوند بپاخیزید و با دادگری گواهی دهید و نیابد دشمنی با گروهی
شما را وادارد که دادگری نکنید؛ دادگری ورزید که به پرهیزگاری نزدیک تر است و از خداوند
پروا کنید که خداوند از آنچه انجام می دهید، آگاه است.

علامه طباطبایی به تفسیر آیه اشاره و بیان می کند که شهادت در آیه مذکور، مقید به
قسط گردیده و بر عدل و شهادت امر شده و عدل امری عام و فراگیر همه انسانها است و

حتی در اجرای آن بر دشمن خدا نیز نمی باید ظلمی شود^{۵۱}، که نشان از اهمیت عدل و برپایی قسط است که در چنین جامعه ای انسانها از عزت و مناعت نفس برخوردار خواهند شد و در آن صورت جامعه انسانی، کریمانه خواهد گردید؛ عدالت در آیه شریفه زمینه ساز تقوی به شمار رفته و بر آن تاکید شده است و با تحقق آن، تقوی در جامعه عینی می گردد و بر قرابت و همسویی بین عدالت و تقوی اشاره شده و عدالت را اقرب به تقوی دانسته است. ۵۲

خداوند همچنین در سوره حدید، یکی از رسالتهای مهم پیامبران را «اقامه قسط» می داند که در رسیدن به کرامت انسانی و ساحت های زیرین آن نقش مهمی دارد و می فرماید: لقد أرسلنا رسلنا بالبینة و أنزلنا معهم الكتب و المیزان ليقوم الناس بالقسط. (حدید، ۲۵/۵۷) ما پیامبرانمان را با برهان های روشن فرستادیم و به آنان کتاب و ترازو فرستادیم تا مردم به دادگری برخیزند.

خداوند با ارسال پیامبران می خواهد مردم به برپائی قسط و عدالت کمک کنند و هدف از ارسال پیامبران، به همراه کتاب و میزان، اجرای قسط و عدل است. ۵۳ عدل و قسط آنقدر مهم است که در روایات، برپائی زمین و آسمان، منوط بدان دانسته شده و آمده است که: «بالعدل قامت السماوات و الارض»^{۵۴} و از حضرت علی روایت است که «العدل اساس به قوام العالم» عدل پایه ای است که استواری و قوام تمام جهان بر آن مبتنی است و امام خمینی (س)، بر اساس آیات مذکور، بر اقامه عدل، آنچنان که در کلام ایشان آمده^{۵۵} و بیان شد، تاکید فراوان دارد.

۶. تربیت پذیری و تهذیب نفس انسان

از دیگر مبانی کرامت انسان، زمینه تکامل و تربیت پذیری او است که قرآن بر آن و بر اهمیت تهذیب نفس به جهت رسیدن بدان مراحل، تاکید فراوان دارد و حضرت امام خمینی (س) نیز بر اساس مبانی قرآنی که به آیات آن اشاره خواهد شد، معتقد است که امتیاز انسان در بین دیگر موجودات، تربیت پذیری و رشد و تکامل او است که بر اساس آن انسان، می تواند به مراحل بلندی از تعالی برسد. خصیصه ای که در دیگر موجودات ذی حیات، وجود ندارد و آنها نمی توانند به تکامل معنوی برسند، ولی انسان استعداد و

قوه ادراکات متعالی و غایات آنان را دارد؛ حضرت امام خمینی (س) در این خصوص چنین می فرماید:

انسان در بین این حیوانات ممتاز می شود به اینکه می تواند ترقیات دیگری بکند هم در ادراکات با آنها فرق دارد و هم در غایات ادراکات فرق دارد... انسان ادراکاتش و قابلیتش برای تربیت تقریباً باید گفت غیر متناهی است. پس انسان همه عالم را دارد... لکن یک اضافه دارد و آن اینکه در انسان یک قوه عاقله و قوه بالاتر هست که در آنها نیست. ۵۶

حضرت امام خمینی (س) بر وجود استعداد خیر و شر در انسان تأکید فراوان دارد و بر آن است که انسان ممتاز شده به اینکه قابلیت ملکات صالحه را دارد و می فرماید:

انسان ابتدا که به دنیا می آید، همه چیز در انسان به طور استعداد هست، یعنی تحقق ندارد اما قابل است. این بچه ای که به دنیا می آید قابل است که ملکات صالحه پیدا کند. ۵۷

امام خمینی (س) در یک نگاه وسیعتر، هدف هستی و مخلوقات را برای تحقق کرامت انسان می داند که به واسطه تربیت او چنین امری حاصل می شود و معتقد است که تمام هستی به غایت فلسفه وجودی انسان خلق شده اند و برای انسان شرائط فراهم شده تا از قوه به فعل برسد، فعلیت که همان الهی شدن و رسیدن به کرامات انسانی است و می فرماید:

اساس عالم بر تربیت انسان است، انسان عصاره همه موجودات است و فشرده تمام عالم است و انبیاء آمده اند برای اینکه این عصاره بالقوه بالفعل کنند و انسان یک موجودی الهی بشود که این موجود الهی تمام صفات حق تعالی در اوست و جلوه گاه نور مقدس حق تعالی است. ۵۸

حضرت امام خمینی (س)، غفلت از غایت هستی را و عدم تربیت و تزکیه انسان را سبب طغیان او و گسترش اختلافات بشری می داند که سبب دوری بشر از کرامات انسانی است و بر آن است که در هر جامعه ای، لازم است تا تربیت صحیح، محقق گردد و انسانها تهذیب شوند تا جامعه بشری دچار طغیان و ستمگری نگردد؛ ایشان به استناد آیه: **إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَن لِيْطَغِي**. (علق، ۶/۹۶) که انسان اگر تربیت نشده باشد طغیان می کند، همه اختلافات و نزاع های بشری را که انسانها را از کرامت دور کرده مربوط به عدم تزکیه او دانسته و

می فرماید :

همه اختلافاتی که در بشر هست برای این است که تزکیه نشده است . غایت بعثت این است که تزکیه کند مردم را تا به واسطه تزکیه ، هم تعلم حکمت کند و هم تعلم قرآن و کتاب و اگر چنانچه تزکیه بشوند ، طغیان پیش نمی آید ؛ کسی که تزکیه کرد خود را ، هیچ گاه خودش را مستغنی نمی داند : *إنّ الانسن لیطغی . أن رءاه استغنی ...* اگر انسان تزکیه بشود و نفس تربیت بشود ، این اختلافات برداشته می شود .^{۵۹} حضرت ایشان ، مهمترین اهداف بعثت انبیاء را ، تزکیه انسانها و سپس نورانی کردن آنها و نورانی شدن دنیا می داند که سرانجام آن رسیدن به کرامات انسانی و جامعه الهی است و می فرماید :

انگیزه بعثت این است که ما را از این طغیان نجات دهد و ما تزکیه کنیم خودمان را ، نفوس خودمان را مصفا کنیم و نفوس خودمان را از این ظلمات نجات بدهیم ، اگر این توفیق برای همگان حاصل شد ، دنیا یک نوری می شود نظیر نور قرآن و جلوه نور حق .^{۶۰}

امام خمینی (س) که خود مظهر کرامت انسانی در دوره معاصر بودند ؛ تدبر در آیات قرآن را از جمله علل مهم تربیت و تهذیب نفس می دانستند و به نقل از استاد بزرگوار خود می گوید که :

جناب عارف بزرگوار و شیخ عالی مقدار^{۶۱} ما می فرمودند که مواظبت به آیات شریفه آخر سوره حشر ، از آیه شریفه : *يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَتَنْظُرَ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لَـغَدٍ .* (حشر ، ۱۸/۵۹) آخر سوره مبارکه با تدبر در معنی آنها در تعقیب نمازها و خصوصا در اواخر شب که قلب فارغ البال است ، خیلی موثر در اصلاح نفس است .^{۶۲}

حضرت امام خمینی (س) ، برای تربیت انسان و رسیدن بشر به کرامت انسانی ، قرآن را بهترین و غنی ترین کتاب و آن را قانونی کامل و نوین و کتاب انسان سازی می دانستند^{۶۳} و معتقد بودند چون انسان موجودی غیر محدود است ، لازم است تا مربی و کتاب تربیت آن نیز غیر محدود باشد که همان قرآن است و در این مورد می فرماید :

انسان غیر محدود است و مربی انسان غیر محدود است و نسخه تربیت انسان که

قرآن است غیر محدود است. ۶۴

ایشان تهذیب نفس را مقدمه تهذیب جامعه می دانستند و آن را در راس امور می شمردند^{۶۵} و بر آن تاکید داشتند که اسلام به جهت جامعیتش، تمام احکامش برای تهذیب نفس و رساندن انسان به کرامت او است و می فرمودند:

تمام آن مسائلی که در اسلام هست، حتی مسائل سیاسیش و مسائل تهذیبی است... شما ملاحظه می فرمائید که لحن قرآن در این باب از همه ابواب دیگر زیادتر و بیشتر تاکید دارد. ۶۶

حضرت امام خمینی (س) بر آیات سوره شمس در خصوص تزکیه و تهذیب نفس، استناد می کردند^{۶۷} که رستگاری را مبتنی بر تزکیه و تهذیب نفس دانسته مانند آیه شریفه: **قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيْهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّيْهَا**. (شمس، ۹۱/۱۰-۹۱) بی گمان آن که جان را پاکیزه داشت، رستگار شد و آن که آن را بیالود نومیدی یافت. مرحوم طبرسی می فرماید:

در آیات مذکور اهمیت فلاح به واسطه تزکیه معلوم شود زیرا پس از چندین سوگند به امر فلاح اشاره شده و مقصود از تزکیه، تطهیر و اصلاح نفس است که به واسطه اطاعت خدا و انجام اعمال صالح انجام می شود. ۶۸

علامه طباطبایی در آیات سوره اعلی که خداوند می فرماید:

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى. و ذکر اسم ربّه فصلی. (اعلی، ۸۷/۱۴-۱۵) می فرماید مقصود از تزکیه، تطهیر، و دوری از آلودگی ها و تعلقات دنیوی است، تعلقاتی که ما را آخرت باز می دارد؛ رجوع به خدا به همراه توجه به خداست که سبب می شود انسان از اخلاق بد به زمین دوری گزیند و انفاق در راه خدا انجام دهد. ۶۹

علامه طبرسی هم ذیل آیه مذکور اشاره به رستگاری انسان در صورت تزکیه می نماید که نخستین تطهیر، دوری از آلودگی های شرک و سپس انجام اعمال صالحه است. ۷۰ بدین جهت مراقبه و محاسبه نفس برای رشد و تربیت و رسیدن به کرامات انسانی در روایات تاکید شده و از امام کاظم (ع) رسیده است که:

«لیس منا من لم يحاسب نفسه في كل يوم»؛ از ما نیست کسی که در هر روز به محاسبه نفس نپردازد. ۷۱

حضرت امام خمینی (س) نیز به پیروی از مفسران بزرگ همچون طبرسی، تربیت و

تهذیب را به استناد آیات مذکور از مهمترین علل تحقق کرامت انسان دانسته و می فرماید:
دعوت فرموده به تهذیب نفوس و ریاضات باطنیه چون کریمه شریفه: قد افلح من
زکیها و قد خاب من دسیها، ... و یا دعوت به عمل صالح است. ۷۲

۷. اخوت و همزیستی دینی و گفتگوی احسن میان انسانها

از دیگر مبانی ارزشمند کرامت انسانی، اعتقاد بر اندیشه قرآنی اخوت دینی مسلمین
و گفت و گوی احسن بین همه انسانها است که حضرت امام خمینی (س) آن را باور و بر
آن تاکید فراوان دارند و با پیروزی انقلاب اسلامی آن را متجلی و عملی نمودند. در مبانی
دین اسلام، تمام انسانهای مسلمانان از هر نژاد، ملت، جغرافیا، جنسیت، زبان، و در
هر شرایط زیستی که باشند، همه با یکدیگر برادرند و همچون دو برادر لازم است به تکریم
و احترام و رعایت حقوق یکدیگر پردازند و تنها ملاک برتری، تقوی است آنچنان که
خداوند می فرماید:

يٰۤاَيُّهَا النَّاسُ اِنَّا خَلَقْنٰكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ وَّ اُنْثٰى وَّ جَعَلْنٰكُمْ شُعُوْبًا وَّ قَبٰٓئِلَ لِتَعَارَفُوْا اِنَّ اَكْرَمَكُمْ
عِنْدَ اللّٰهِ اَتْقٰىكُمْ. (حجرات، ۱۳/۴۹) ای مردم ما شما را از مردی و زنی آفریدیم و شما را گروهها
و قبیله ها کردیم تا یکدیگر را باز شناسید، بی گمان گرامی ترین شما نزد خداوند پرهیزگار
ترین شماست.

خداوند متعال در قرآن، تمامی مومنان را برادر دینی می خواند و یکی از اساسی ترین
مبانی زندگی مسلمین را با شعار اخوت دینی بیان می کند که سخنی عمیق و موثر در
تحقق کرامت انسانی است و می فرماید: اِنَّمَا الْمُؤْمِنُوْنَ اِخْوَةٌ. (حجرات/۱۰) جز این نیست
که مومنان برادرند.

حضرت امام خمینی (س) بر اساس اندیشه قرآنی اخوت اسلامی و گفت و گوی
احسن بین آنها، مسلمین را به برادری دعوت نموده و آنها را از هر گونه اختلاف و نزاع که
زمینه ساز دوری از کرامت انسانی است، باز می دارد و می فرماید:

از اختلافات دست بردارید، احتراز کنیم از اختلافات، ما همه برادر هستیم،

همه ملت با هم برادرند، به گفته خدا مومنین با هم برادر هستند. ۷۳

ایشان عزت مسلمین و رسیدن به کرامت آنها را در اتحاد و اخوت و عمل بر احکام
اسلام و قرآن مجید می داند تا در سایه اتحاد از گزند دشمنان مصون بمانند و بتواند جامعه

انسانی و ایمانی را فراهم آورند و می فرماید :

همه مسلمین در نظر ما اگر چنانچه عمل به احکام اسلام بکنند عزیزند... همه با

هم متحد شوید، همه مسلمانید، اتکای شما بر قرآن باشد. ۷۴

امام خمینی (س)، برادری مسلمین را مختص به این عالم دنیا ندانسته و برادری و کرامت و عزت انسان در دنیا را مقدمه برادری و عزت انسان در آخرت دانسته و آن را امری پیوسته و در طول هم می داند و می فرماید :

برادری از اموری است که هم قرآن کریم فرموده که مسلمین در این عالم برادرند و

هم فرموده است که در بهشت برادرند. ۷۵

همکاری و همزیستی و گفت و گوی احسن نیز بر اساس اخوت دینی که نخستین مرحله آن در بین مسلمین است و می تواند با توسعه مفهومی در مراحل بعدی با اهل کتاب و دیگران نیز، قابل تحقق باشد و نزاع و کشمکش های بیهوده را از جامعه دور کند و به جای آن، رویکرد به گفت و گوی احسن باشد تا سبب تعالی و کرامت انسان ها خواهد گردد؛ چنین مفهومی را می توان از قرآن برداشت کرد که خدا نخست بندگان را توصیه به استماع احسن و سپس پیروی احسن می کند که حاصل آن گفت و گوی احسن است؛ خداوند متعال در قرآن از آن چنین یاد می کند :

فَبِشْرِّ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمْعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمُ أُولُوا الْأَلْبَابِ. (زمر، ۱۷/۳۹-۱۸) پس به بندگان من مژده بده، کسانی که گفتار را می شنوند، آنگاه از بهترین آن پیروی می کند، آنانند که خداوند راهنمایی شان کرده است و آنانند که خردمند.

حضرت امام خمینی (س) بر گفت و گوی احسن و مفاهمه بجای نزاع و کشمکش تاکید دارد تا انسان در سایه ی اخوت و گفت و گو، به کرامت و عزت نفسانی برسد و در مورد گروهی که از این خصوصیت بدورند، از خداوند درخواست می نماید تا مصداق آیه گردند و از کرامت نفس برخوردار باشند و چنین می فرماید :

خداوند آنها را قرار بده من «الَّذِينَ يَسْتَمْعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ». ۷۶

ایشان ولایت و حکومت دینی را بر اساس منطق و قانون می داند و معتقد است معیار اراده مردم، منطق دینی است و نه آراء شخصی و استبداد در رای و در این خصوص

می فرماید:

در اسلام قانون حکومت می کند، پیغمبر اکرم هم تابع قانون بود، تابع قانون الهی، نمی توانست تخلف کند.^{۷۷}

حضرت امام خمینی (س) از جمله وظایف مهم علماء و دانشمندان را بر خورد صحیح و منطقی و بر اساس گفت و گوی احسن با مخالفان و به ویژه جوانان می داند و سفارش می کند که بجای برخورد گزنده، با روی گشاده و بر اساس منطق، دیگران را به اسلام جذب نمایند؛ زیرا گفت و گوی احسن، سبب رشد فطرت انسانی و تحقق کرامت نفس دیگران می گردد و می فرماید:

علماء و روحانیون ان شاء الله با همه ابعاد و جوانب مسئولیت خود آشنا هستید ولی از باب تذکر و تاکید عرض می کنم امروز بسیاری از جوانان و اندیشمندان در فضای آزاد کشور اسلامی مان، احساس می کنند که می توانند اندیشه های خود را در برابر موضوعات و مسائل مختلف بیان دارند، با روی گشاده و آغوش باز حرف های آنان را بشنوند و اگر بیراهه می روند با بیانی آکنده از محبت و دوستی راه راست اسلامی را نشان آنان دهید.^{۷۸}

ایشان رعایت ادب اسلامی و احترام به شخصیت دیگران را در گفت و گو و محاورات دینی به جهت دستیابی به حقیقت، لازم و ضروری دانسته و سبب تسهیل و تیسیر به ساحت های کرامت و عزت انسان می داند و می فرمایند:

مراعات آداب اسلامی در محاورات بشود و انگیزه آن یافتن حق و راه حل باشد و این امور در محیط دوستی و صفا... آقایان را بهتر و آسانتر به حقیقت می رساند.^{۷۹}

حضرت امام خمینی (س) معتقد است برای رسیدن به کرامت انسانی، می باید حقوق همه انسانها، از جمله حقوق اقلیت ها مراعات شود و در تعامل و گفت و گو با آنها، احترام حقوق آنها به جای نزاع، مورد توجه باشد و توجه به حقوق انسانی دیگران، غفلت نشود؛ زیرا پذیرش حق دیگران سبب توجه افراد به خودیت انسانی می گردد و می فرماید:

در اسلام حقوق همه ملت ها مراعات شده است، حقوق مسیحین مراعات شده، حقوق یهود و زرتشتین مراعات شده، تمام افراد عالم را، بشر می داند و حق بشری برای آنها قائل است؛ تمام عالم را به نظر محبت نگاه می کند.^{۸۰}

حضرت امام خمینی (س) معتقدند که در سایه اخوت و همزیستی دینی انسانها بر رعایت حقوق یکدیگر پایبند می شوند و کسی بر دیگری به ویژه غیر مسلمین، سلطه نخواهد داشت و در این خصوص بر آیه: **وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا** (نساء، ۴/ ۱۴۱)، استناد نموده و می فرماید:

قرآن می گوید هرگز خدای تبارک و تعالی سلطه ای برای غیر مسلم بر مسلم قرار نداده، هرگز نباید یک همچون چیزی واقع شود یک تسلطی، یک راهی، اصلاً یک راه نباید پیدا کند، **وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا**، اصلاً راه نباید داشته باشد. ۸۱

حضرت امام خمینی (س) بر مسالمت آمیز بودن احکام اسلامی تاکید دارد و توجه به آن را سبب گسترش امنیت بشر می داند و می فرماید:

احکام اسلام، احکامی است مسالمت آمیز و می خواهیم همه قشرها، مسالمت آمیز باشند. ۸۲

و در مورد دیگر می فرماید:

ما اعلام می کنیم که نظر تجاوز به هیچ یک از کشورهای اسلامی و غیر اسلامی نداریم ما می خواهیم که همه کشورهای اسلامی در محیط خودشان که هستند به هم برادر باشند. ۸۳

حضرت امام خمینی (س) بر اساس آیات قرآن از جمله آیه: **إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لِيَبْغِيَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ** (ص، ۲۴/۳۸)، انسانها در صورتی که برخوردار از ایمان و عمل صالح باشند، همراه و دوست می داند که در معاشرت و دوستی حقوق یکدیگر را رعایت می کنند. ایشان تمامی انسانها را دوست یکدیگر می داند و بر پایه تفکر قرآنی و رسیدن به کرامت انسان پیامبر گرامی اسلام را بشر دوست می داند و با توجه به ضرورت احترام متقابل بین همه انسانها می فرماید:

ما بشر دوست هستیم و پیغمبر ما، پیغمبر عظیم الشان ما، بشر دوست بود و برای بشر زحمت ها و تحمل شاق کرد و ما هم پیروی از آن دستور می کنیم و با همه اقشار بشر، با تمام مستضعفات عالم، روابط حسنه داریم به شرط این که روابط متقابل و احترام متقابل باشد. ۸۴

بنابراین توجه به دیدگاه حضرت امام خمینی (س)، مبنی بر اخوت مسلمین و روابط بشر دوستانه بین آنها، تعامل صحیح بین همه انسانها و گفت و گوی احسن، امری گریز ناپذیر است تا انسان به منزلت واقعی خود یعنی کرامت و عزت نفس، برسد؛ خداوند هم در قرآن در آیات فراوانی از جمله در آیه: *لقد أرسلنا رسلنا بالبينت و أنزلنا معهم الكتب و الميزان*. (حدید، ۲۵/۵۷) به اهمیت بینات و کتاب و میزان، که همان منطق فکری و گفت و گوی فرهنگی است، اشاره کرده است و از این جهت اسلام، پیشتاز برخورداری از عقل و منطق و حجج قاطع^{۸۵} در مواجهه با انسانها است.

نتیجه

انسان به جهت برخورداری از قوای معرفتی خاص خودش، حقیقت جویی و کمال طلبی، مقام خلیفه الهی، روحیه عدالت خواهی، آمادگی رشد و تکامل و تربیت پذیری، اخوت و روحیه مسالمت آمیز و برخوردار از توانایی گفت و گوی احسن با دیگران و اختیار و آزادی اراده، موجودی شریف و دارای کرامت است که او را الهی و آسمانی می نماید. ویژگی های فوق مبانی کرامت انسان از نگاه امام خمینی می باشد که حضرت ایشان خود نمونه کرامت نفس بود و بر اساس دیدگاه و مبانی قرآنی خود، معتقد بر کرامت نفس و دیگران را بدین سوی هدایت نموده است.

۱. عن رسول الله (ص): ان الله تعالى كريم و يحب الكرم . كنز العمال، ۶/۳۴۷، ح: ۱۵۹۹۱ .
۲. عن علی (ع): من كرمت عليه نفسه ، هانت عليه شهواته . علامه مجلسی ، بحار الانوار ، ۲/ ۴۴ .
۳. علامه طباطبائی ، المیزان ، ۱۳/ ۱۵۵ .
۴. همان ، ۱۳/ ۱۵۶ .
۵. شیخ طوسی ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن ، ۶/ ۶۶۲ ، ذیل آیه ۷۰ اسراء .
۶. امام خمینی ، آداب الصلوه / ۱۹۴ .
۷. همان / ۳۸ .
۸. همان / ۴۱ .
۹. امام خمینی ، چهل حدیث / ۴۹۷ .
۱۰. المعجم المفهرس لالفاظ القرآن ، واژه قلب که بیش از صد مرتبه با عبارات : قلب ، قلب ، قلوبکم ، قلوبنا ، قلوبهم و ... یاد شده است .
۱۱. زمخشری ، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل ، ۴/ ۳۲۶ .
۱۲. مجمع البیان ، ۸/ ۷۰۱ .
۱۳. کلینی ، کافی ، ۲/ ۱۶ .
۱۴. چهل حدیث ، حدیث یازدهم / ۱۸۷ .
۱۵. همان .
۱۶. مجمع البیان ، ۸/ ۳۰۵ ، ذیل آیه ۸۹ سوره شعراء ؛ التبیان فی تفسیر القرآن ، ۸/ ۳۴ ؛ الصافی ، ۴/ ۴۱ ؛ نور الثقلین ، ۴ / ۵۷ ؛ المنیر ، ۱۹/ ۱۷۵ ؛ ذیل آیه مذکور ؛ بحار الانوار ، ۷۸/ ۱۶۴ ؛ و میزان الحکمه (ذیل واژه قلب) ، ۳ / ۲۵۹۸ ، احادیث : ۱۷۰۷۹-۱۶۹۰۱ .
۱۷. صحیفه نور ، ۱۳/ ۱۳۰ .
۱۸. همان ، ۱۵/ ۴۹۳ .
۱۹. چهل حدیث ، حدیث اول / ۱۶ .
۲۰. الکشاف ، ۱/ ۱۲۴ .
۲۱. مجمع البیان ، ۱/ ۱۷۶ ؛ المبین / ۷ ؛ نمونه ، ۱/ ۱۷۲ .
۲۲. المیزان ، ۱۷/ ۱۹۴ .
۲۳. صحیفه نور ، ۱/ ۲۴۲ .
۲۴. همان / ۲۳۴ .
۲۵. چهل حدیث / ۱۸۷ .
۲۶. همان / ص ۱۸۷ .
۲۷. صحیفه نور ، ۱۵/ ۲۴۰ .
۲۸. قل هل تریدون بنا إلهی الحسنین . توبه / ۵۲ ، بگو آیا برای ما جز یکی از دو نکویی را انتظار دارید ؟
۲۹. صحیفه نور ، ۱۵/ ۲۳۹ .

۳۰. چهل حدیث / ۱۸۷ .
۳۱. المیزان، ۴۷ / ۱۹ .
۳۲. مجمع البیان، ۲۷۶ / ۹ .
۳۳. المیزان، ۱۲۲ / ۲۰ .
۳۴. الکشاف، ۶۶۷ / ۴ .
۳۵. محمد جواد مغنیه، التفسیر المبین / ۷۸۱ .
۳۶. صحیفه نور، ۳۲۷ / ۸؛ امام خمینی و جامعه مدنی / ۱۹۶ .
۳۷. سخن حضرت امام خمینی اشاره به آیه: ۱۵۵ بقره دارد که از مبانی بحث اختیار است و خداوند می فرماید: و لنبلوکم بشیء من الخوف و الجوع و نقص من الأموال و الأنفس و الثمرت و بشر الصبرین بی گمان شما را با چیزی از بیم و گرسنگی و کاستی دارائی ها و جان ها و فرآورده ها می آزماییم و شکیبان را نوید بخش .
۳۸. صحیفه نور، ۲۳۴ / ۱۳ .
۳۹. چهل حدیث / ۱۶۱ .
۴۰. صحیفه نور، ۵۶ / ۱۴ .
۴۱. بقره، آیه: ۲۵۶: در کار دین هیچ اکراه نیست .
۴۲. صحیفه نور، ۷۳ / ۱۴ .
۴۳. و نیز مانند: غاشیه، ۲۱: فذکر إنما أنت مذکر؛ بلد، ۱۰: وَ هَدینة التجدین؛ شمس، ۸: فألهما فجورها و تقویا؛ لیل، ۱۲: إن علینا للهدی؛ رعد، ۱۱: إن الله لا یغیر ما بقوم حتی یتوبوا ما بأنفسهم و...
۴۳. مجمع البیان، ۳۱۱ / ۵ .
۴۴. المیزان، ۶۱ / ۱۱ .
۴۵. صحیفه نور، ۱۷۲ / ۷ و ۳۰۷ / ۸ .
۴۶. همان / ۲۴۱ .
۴۷. همان / ۵۸ .
۴۸. همان، ۵۹ / ۱۵ .
۴۹. همان / ۱ .
۵۰. مجمع البیان، ۵۸۶ / ۶ .
۵۱. المیزان / ۲۳۷ / ۵ .
۵۲. مجمع البیان، ۲۶۱ / ۳ .
۵۳. نمونه، ۳۷۵ / ۲۳ .
۵۴. تفسیر الصافی، ذیل آیه سوره الرحمن .
۵۵. صحیفه نور، ۵۸ و ۲۴۱ / ۱۵ .
۵۶. همان / ۲۲۵؛ و آیین انقلاب اسلامی / ۱۹۳ .
۵۷. همان، ۲۷۹ / ۶ .

۵۸. همان، ۱۴/۱۰۳.
۵۹. همان/۲۵۴.
۶۰. همان/۲۵۳.
۶۱. استاد عرفان حضرت امام، آیه الله شاه آبادی.
۶۲. چهل حدیث/۲۰۸ و آیین انقلاب اسلامی/۲۰۶.
۶۳. صحیفه نور، ۱۵/۲۵۰ و ۸۳/۷.
۶۴. همان، ۱۲/۱۷۰ و تبیان دفتر سیزدهم/۴۰.
۶۵. همان، ۱۵/۵۰۵.
۶۶. همان.
۶۷. آداب الصلاة/۹-۱۸۷.
۶۸. مجمع البیان، ۱۰/۷۵۵.
۶۹. المیزان، ۲۰/۲۶۹.
۷۰. مجمع البیان، ۱۰/۷۲۲.
۷۱. الکافی، ۲/۴۵۳.
۷۲. آداب الصلاة/۱۸۹.
۷۳. صحیفه نور، ۶/۴۱۹.
۷۴. همان، ۱/۳۸۱.
۷۵. همان، ۱۶/۹۴.
۷۶. همان، ۱/۳۷۳.
۷۷. همان، ۱۰/۲۹.
۷۸. همان، ۲۰/۲۴۳.
۷۹. همان، ۱۸/۴۶۵.
۸۰. همان، ۵/۲۴۱.
۸۱. همان، ۳/۴.
۸۲. همان، ۷/۸۹.
۸۳. همان، ۱۵/۲۸۰.
۸۴. همان، ۵/۱۱۵.
۸۵. المیزان، ۱۹/۱۷۱.